سخنی چند از پاول پارسی؛ درباره‌ی فرزانه و فرزانگی (فیلسوف و فلسفه)

§ چون دانش از نگرش[=مشاهده][۱] و بازشناسیِ[۲] همه‌چیز بَوَندَگ[۳] شود، بازشناسیِ [همه‌چیزْ] فرزانگی بُوَد، و آنانی را که اندر پیِ بازشناختنِ[٤] [همه‌چیز] باشند فرزانه نامند...

§ فرزانگیْ کِروگیِ[٥] همه‌ی کِروگیها و داناییِ[٦] همه‌ی داناییهاست[۷]...

§ فرزانگی هَمانَندیِ[۸] ایزدی[۹] بُوَد تا آنجا که مردمی بدان‌سان تواند باشد (یا، تا آنجا که مردمی را شدنی باشد).[۱۰] چون [همان‌گونه که] ایزد داند و ورزد، فرزانگان

---

[1]. Syr. ܚܙܝܢܐ ≈ Gr. βλέμμα, θεωρία, Pers. vēnišn.

[2]. Syr. ܦܝܡܣܝܫܘܬܐ ≈ Pers. peymasišn, uzvārišn.

[3]. Syr. ܫܠܡܘܬܐ ≈ Gr. τέλειος, Pers. bavandag, spurrīg, Armen. աւարտուն, Arab. تامّ

[4]. Syr. ܦܝܡܣܝܫܘܬܐ ≈ Gr. ἐπιγνώμων, Pers. peymasāg, uzvārāg.

[5]. Syr. ܦܝܠܚܢܐܝܬ ≈ Gr. τέχνη, Pers. kirrōgīh (Dk iv, M 425 dānišn hamōg ud abzār kirrōgīh ud hunar, Dk viii, M 645 bizeškīh ud cihršnāsīh ud abārīg pēšag ud kirrōgīh), hudoxšīh, Arab. صناعة.

گویایی[=منطق] برای فرانسیس بیکن نیز «کِروگیِ کروگیها» (ars artium) باشد. نک.

J. Tricot, *Traité de logique formelle*, Paris, 1973, 15.

[6]. Syr. ܝܕܥܬܐ ≈ Pers. dānāgīh (امونیوس ἐπιστήμη, داوید մակացութիւն 'داناییِ دانشی').

[۷]. نک. ویمند پنجم فرزانگی (ویمند ἐκ τῆς ὑπεροχῆς برآمده از پیشی[=تقدّم]) اندر:

Ammonius in Porphyrii Isagogen, 6 φιλοσοφία ἐστὶ τέχνη τεχνῶν καὶ ἐπιστήμη ἐπιστημῶν.

همچنین، نک. داوید، ۵۰:

հինգերորդ՝ որ ասեն թէ իմաստասիրութիւն է արհեստ արհեստից և մակացութիւն մակացութեանց; Pseudo-Elias, 15.

[8]. Syr. ܕܡܘܬܐ ≈ Gr. ὁμοίωσις 'همانایی، مانندگی'، ὁμοίωμα 'انگاره، همانندی'، ὁμοιότης 'مانایی، مانندی'، Pers. hangōšīdag, humānāgīh

[9]. Syr. ܐܠܗܝܬܐ ≈ Gr. τὸ θεῖον, Pers. yazdīh.

[۱۰]. این ویمند برگرفته از روش پلاتون است، *Theaetetus*, 176[b]. نک. ویمند سوم فرزانگی (که آماج دور آن را نمایاند) اندر

Ammonius in Porphyrii Isagogen, 3 φιλοσοφία ἐστὶ ὁμοίωσις θεῷ κατὰ τὸ δυνατὸν ἀνθρώπῳ. نیز نک. David's *Definitions* …, 57 (ویمند چهارم:) չոորդ սահման ի հեռի կատարմանէն՝ որ ասեն՝ իմաստասիրութիւն է նմանութիւն աստուծոյ ըստ

نیز چونان یزدان[11] دانند و ورزند، لیک [بسی] کمتر.[۱۲]

§ درازایِ زمانِ بایسته برای آنکو خواهد فرزانگی[=حکمة] آموزد، بر پایه‌ی سامانِ [پی‌ریخته‌شده به دستِ] فرزانه (ارستو) ـ آنکو زیِ ما نکوکار و بهره‌رسان بود ـ به اندازه‌ی خواست و کوشش او (آموزنده) بُوَد، و نیز یاریِ پیشامدها، به دیگر سخن، باید هوشمندی و ویری[=حافظه‌ای] نیکو داشته باشد، و نیز نبیگها[=کتب] [از فرزانه] یابد و استادی گشاینده[ی این نوشته‌ها]، و همچنین سازوبرگی بسنده برای گذران زندگی داشته باشد، تا مبادا با سرگرم شدن بدین از رسیدن به آماجش بازماند؛ و با اندریافتی[=ادراکی] [که] زِ آماجها [دارد] خویش را از آسیبها و اندوههای جهان و بیماریهای روان و تن یا هر دو با هم [دور] مپندارد؛ و وی راست که از توده‌ی مردم و نیرومندکسان دوری جوید و خویشتن را زِ مردمانِ پیرامونش بپاید – چه مردمان، چنان‌که گفته می‌شود، دشمنان آنچه نمی‌دانند بُوَند و اندر بیشتر زمانها نیک‌خویان را خوار شمارند و کینه توزند زیِ هر آنکو زِ راه و روش و خواست آنان دوری می‌جوید و وی را همه‌گونه رنجه دارند و آزار روا. اگر وی از همه‌ی این پیشامدها (آسیبها) گریزد، و از سرشتی [توانمند] و نیز ابزارها که بایسته بُوَند، چنان‌که افکنده‌ایم، برخوردار باشد، آنگاه دستیابی به خواستش نزدیک بُوَد، و از ماندگی

կարողութան մարկան. نیز نک. Pseudo-Elias, 14.

رازی گوید: «وکل هذا الکلام مراد قول الفلاسفة جمیعاً إنّ الفلسفة هی التشبّه بالله عزّ وجلّ بقدر مافی طاقة الإنسان، و هذه جملة السیرة الفلسفیّة». رازی، کتاب السیرة الفلسفیة، رسائل فلسفیّة، بیروت، ۱۹۸۲، ۱۰۸

11. ܗܘܠܝܢ ܒܪܘܬܐ ≈ Pers. hangōšīdag ī yazd.

۱۲. سرگیوس ریشئینا[=سرجیس الراسعینی] (پیش از ۵۳۶ ترسایی) گوید که خداوند دو نیرو دارد: یکی نیروی آفرینش زیست‌بوم و دیگری نیروی نگهداشت آن؛ فرزانگی نیز چونان خداوند دو بهر دارد (BNF, Syr. 354 3v): ܗܘܠܝܢ ܕܐܠܗܐ ܕܒܪܢܫܐ ܘܐܝܟ ܕܢܛܪܐ ܠܗ. ܗܢܐ ܕܒܪܢܫܐ ܕܡܬܩܪܐ ܚܟܡܬܐ ܗܘܝܐ ܕܡܬܩܢܐ ܒܬܪܬܝܢ. ܐܝܟ ܕܡܬܩܢܐ ܒܬܪܬܝܢ ܗܘܝܐ ܕܡܬܩܢܐ ܒܬܪܬܝܢ. ܘܐܝܟ ܕܡܬܩܢܐ ܒܬܪܬܝܢ ܗܘܝܐ ܕܡܬܩܢܐ ܒܬܪܬܝܢ. ܗܘ

(رنج) همگنان خویش آساید، و بر گنجی چیره شود که زیِ وی اندوخته‌اند.

بازه‌ی زمانی بایسته برای این نزدیکِ ده تا بیست سال بُوَد، اگر وی به گونه‌ای به کارِ جهان سرگرم شود (درگیرِ گرفتاریهای روزانه شود). کس را روا مباشد برای آنکه استاد دانایی گردد چنین اندیشد که خویشتن را از جهان جدا کند، بی پذیرش رامشی [بسنده] از برای تنِ خویش و بهره‌ای از خوشیهای خوشایند و نیک از برای روان خویش، چه اگر زندگی‌اش را زِ بهرِ این کند، ناکام خواهد ماند و باز خواهد ایستاد پیش از آنکه به فرجام‌آهنگش رسد (یا، به آماجش نخواهد رسید و راهش را خواهد فُروهِشت).

* برگرفته از: پاول پارسی (۱۳۹۵)؛ گویایی ارستو؛ رَهام اشه؛ پارسی‌گردان: بزرگمهر لقمان؛ تهران: شورآفرین؛ رویه‌های ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۱۸۶ و ۱۸۷.